

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

کارگاه آنلاین
بررسی مقابله ای متون (مقدماتی)

کارگاه آنلاین
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو

رابطه کارایی خانواده و گسست ارزش‌های مادران و دختران دبیرستانی

فربیا جعفری روشن^{۱*}، فرامرز سهرابی اسمرود^۲، صدیقه احمدی^۳

^۱ کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

^۲ گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

^۳ گروه مشاوره، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

چکیده

در این پژوهش رابطه کارایی خانواده و گسست ارزش‌های مادران و دختران دبیرستانی مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری این پژوهش دانش آموزان دختر دبیرستان‌های شهرستان قدس و مادرانشان بودند. تعداد ۱۰۰ نفر از دانش آموزان و مادران آن‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار مورداستفاده در پژوهش، پرسشنامه سنجش کارایی خانواده FAD و سنجش ارزش‌های مرتون و لیندزی بود. طرح پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بود. به‌منظور تعیین رابطه کارایی خانواده و گسست ارزش‌های مادران و دختران از روش همبستگی پیرسون و برای تعیین تفاوت ارزش‌های مادران و دختران از آزمون تی مستقل استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که بین کارایی خانواده و گسست ارزش‌های مادران و دختران رابطه معناداری وجود داشت. مؤلفه‌های حل مسئله، پاسخگویی اثربخش و کنترل رفتاری با گسست ارزش‌های مادران و دختران ارتباط معکوس و معناداری داشت و مقیاس درگیری اثربخش، ارتباط معناداری با گسست ارزش‌ها نداشت. نتایج نشان داد که بین ارزش‌های مادران و دختران تفاوت معنادار وجود ندارد و بنابراین فرضیه دوم رد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: کارایی خانواده؛ گسست ارزشی؛ ارزش

مقدمه

ارزشها، معیارها و استانداردها، عنصر مرکزی در جهت دهی به رفتار افراد در جامعه هستند (یوسفی، ۱۳۸۳). هر نسل جدید در دوره تاریخی منحصر به فردی قرار دارد و فرآیند جامعه‌پذیری در آنان، دیدگاهی متفاوت از نسل‌های قبلی بوجود آورده است (اسمیت، ۲۰۰۴). گسست ارزشی بین نسلی، عدم انتقال ارزش‌های نسل پیشین به نسل پسین و در نتیجه عدم فقدان درک و تفاهم ارزش‌ها میان نسلهاست که به دلیل تجربیات متفاوت آنها ایجاد شده است (یوسفی، ۱۳۸۳). کم و کیف ارزشها، نگرش‌ها و هنجارهای نسل جدید جامعه ایرانی و رابطه نسل‌ها با یکدیگر یکی از سوال‌های اساسی جامعه ما محسوب می‌شود (چیت ساز، ۱۳۸۶). تفاوت در نظام ارزشی والدین و فرزندان، که به نوعی شکاف نسلی را آشکار می‌سازد، مسأله مشترک جهان معاصر بویژه جوامعی مانند کشور ما ایران است که به سرعت تحول می‌یابد (توکل و همکاران، ۱۳۸۵).

اگر بخواهیم پدیده فاصله میان نسل‌ها را از دید آسیب شناسانه مورد دقت قرار دهیم، می‌توان برخی از این معیارها را بیان کرد: کاهش ارتباط کلامی، اختلال در فرایند همانندسازی، کاهش فصل مشترک عاطفی، عدم تعهد به فرهنگ خودی، نابرداری نسل‌ها و عدم حضور نسل جوان در مشارکت‌های اجتماعی (علیخانی، ۱۳۸۲). آنچه در این میان حائز اهمیت و پژوهش است توجه به نظام خانواده به عنوان یکی از ارکان اساسی جامعه در انتقال ارزش‌ها به فرزندان است. خانواده اولین واحدی است که فرزند در آن به تدریج هویت کسب کرده، وارد زندگی می‌شود و این فرایند در سایه فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای خانواده، ساری می‌گردد (بیات، ۱۳۸۲).

بر اساس تئوری تعلق، فرزندان که به لحاظ امنیت به والدینشان وابسته اند، تمایل قوی تری به پذیرش عقاید و ارزشهای والدینشان دارند. والدین دیکتاتور اطاعت بی چون و چرا و مبادله (افکار) یکطرفه را می‌خواهند و در رفتار و منش خود انعطاف ناپذیرند. سخت‌گیری والدین به واسطه ایجاد حالات روحی منفی باعث عدم پذیرش احکام والدین می‌شود. تئوری تقویت نیز تأکید می‌کند که تقویت کردن جنبه‌های مثبت رفتاری، تمایل به پذیرش والدین را اشاعه می‌دهد (علیخانی، ۱۳۸۳). اظهار قدرت در فرایندهای جامعه‌پذیری خطرناک است؛ چرا که خشم و

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: jafarif87@gmail.com

عداوت توأم با مخالفت کردن و عدم رغبت به پذیرش خواسته‌های والدین را در فرزندان می‌انگیزاند. همچنین اظهار قدرت، مدلی از تخطی را فراهم می‌نماید که منجر به اعمال ضداجتماعی و ضداخلاقی می‌شود. به علاوه این از شکل‌گیری منبع پیامدهای اخلاقی برجسته در فرزند ممانعت می‌کند و بنابراین احتمال اندکی وجود دارد که با وجود چنین موانع خارجی، فرزند آنها را بپذیرد. بر عکس برهان آوری یا القاء کردن، خصوصاً اگر بر آثار منفی تخطی فرزند بر دیگران تأکید کند، مؤثرتر است. چراکه سرمایه‌های همدلی فرزند را پرورش می‌دهد و در این فرایند محبت به عنوان میانجی در مؤثر بودن مورد توجه است زیرا محبت نمی‌تواند خشم و عداوت را برانگیزد بلکه محبت، آگاهی یا حساسیت به احساسات و نیازهای دیگران را پرورش می‌دهد. همچنین اگر اندکی اظهار قدرت با برهان آوری توأم باشد می‌تواند سودمند گردد. اگر خانواده‌ها با کودکان و نوجوانان ارتباط سازنده ای داشته باشند با بازخوردهایشان می‌توانند ارزشهای گوناگونی را به آنان انتقال دهند و فرزندان که در این خانواده‌ها بزرگ شده اند کمتر احتمال دارد به دنبال انجام رفتارهای غیر خودی مانند تقلید و الگوبرداری نقش از دیگران باشند (شافر و کیپ، ۲۰۰۷). اگر پشتوانه و زمینه دوران کودکی محکم و درست درون‌سازی نشده باشد، کودک یا نوجوان از ارزشها و روش‌های نادرستی نظیر فرار از خانه، اعتیاد به مواد مخدر، وابستگی به همسالان و فرار از مشکلات برای هویت یابی استفاده خواهد کرد (لارسن و باس، ۲۰۰۸).

در راستای تفاوت ارزشهای والدین و فرزندان پژوهش‌های مختلفی انجام شده است و نتایج مختلفی به دست آمده است. برخی به گسست ارزشی بین والدین و فرزندان معتقدند و برخی آن را رد می‌کنند. به اعتقاد بنگستون (۱۹۷۰)، سه دیدگاه عمده در زمینه گسستگی نسلی وجود دارد. در یکطرف، کسانی هستند که معتقد به مسأله "شکاف عمیق" هستند. صاحب نظران این دیدگاه معتقدند که شکاف بین جوانان و بزرگسالان نسبتاً شایع و گسترده است اینان فرهنگ جوانان را مختلف و حتی متضاد با فرهنگ مسلط بزرگسالان می‌دانند (از نقطه نظر پذیرش ارزشهای غالب و مسلط). در آن طرف طیف، کسانی هستند که وجود شکاف عمیق را یک توهم و خیال می‌پندارند و معتقدند این موضوع توسط وسایل ارتباط جمعی به غلط به مردم تحمیل شده است. متفکران اجتماعی مانند ریس (۱۹۶۸)، لوبل (۱۹۶۸)، لیپ (۱۹۷۸) و آدلن (۱۹۷۰) تأکید بر این دارند که ارزشهای جوانان و بزرگسالان دارای جدایی اجتماعی باشند ولی شکاف بین آنها اساساً ارتباطی با قبول ارزشهای مختلف ندارد. بلکه جدایی بیشتر در زمینه قابلیت کاربرد موقعیتی توصیه‌های هنجاری برای تحقق دادن به ارزشها می‌باشد. دیدگاه سوم که در نقطه وسط دو دیدگاه قبلی قرار دارد معتقد به "پیوستگی و تفاضل‌گزینی" بین نسل هاست. به عبارت دیگر این دیدگاه معتقد است که تضاد اندکی بین نسلها در مورد ارزشها وجود دارد. در عین حال طرفداران این دیدگاه با دیدگاه دوم (یعنی این فرضیه که: وجود شکاف یک توهم و خیال است) موافق بوده و معتقدند که ارزشهای مورد قبول یکسان و مشابه می‌توانند در قالب الگوهای رفتاری مختلفی خود را نشان دهند. بنابراین این پژوهش با توجه به اهمیت خانواده در انتقال ارزشها به فرزندان و نیز با توجه به وجود دیدگاههای مختلف و ناهمسو در رابطه با وجود یا عدم وجود گسست ارزشی بین والدین و فرزندان، دو فرضیه را مطرح می‌کند. فرضیه اول: کارایی خانواده با گسست ارزشی رابطه معناداری دارد. فرضیه دوم: ارزشهای مادران و دختران دبیرستانی تفاوت معناداری با هم دارند.

روش

شرکت‌کنندگان

پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری در این پژوهش کلیه دانش آموزان دختر مقطع دبیرستان شهرستان قدس بودند. برای انتخاب نمونه، ابتدا با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، چند دبیرستان دخترانه انتخاب شدند. تعداد ۱۰۰ نفر از دانش آموزان این مدارس، به طور تصادفی انتخاب شده و به پرسشنامه کارایی خانواده و سنجش ارزشها پاسخ دادند.

ابزار

۱) پرسشنامه کارایی خانواده (Family Assessment Device): یک پرسشنامه ۶۰ سؤالی است که برای سنجیدن عملکرد (کارایی) خانواده مبنای الگوی مک مستر تدوین شده است. در ایران، اولین کوشش عملی به منظور هنجاریابی و میزان سازی ابزاری برای سنجش خانواده توسط ثنایی و همکاران به عمل آمد. آنها ضمن تأیید روایی نسخه فارسی این آزمون، اعتبار کل آزمون را ۹۳٪ در سطح معناداری به دست آوردند. این آزمون در ایران در پژوهش‌های بسیاری در سنین مختلف از جمله نوجوانی و جوانی اجرا شده است (نقل از میرزایی، ۱۳۹۲). برای افزایش روایی ۷ عبارت به سه مقیاس از نسخه ۵۳ ماده ای اولیه آن اضافه شده است که برای اندازه‌گیری ابعاد مدل مک مستر از کارکرد خانواده یعنی حل مسأله، ارتباط، نقش‌ها، پاسخ‌دهی عاطفی، آمیختگی عاطفی و کنترل رفتار ساخته شده است و یک ارزیابی از کارکرد کلی نیز بدست می‌دهد. همچنین توانایی خانواده در سازش با حوزه وظایف خانوادگی را بر روی یک مقیاس چهار درجه ای

لیکرت به صورت کاملاً موافقم (۱)، موافقم (۲)، مخالفم (۳)، و کاملاً مخالفم (۴) مشخص می نماید. برای نمره گذاری FAD تمام پاسخ ها از ۱ تا ۴ کد گذاری می شوند، نمره ی بالاتر نشانگر کارکرد نا سالم است. برای بدست آوردن نمره هر مقیاس، متوسط نمرات مواد آن مقیاس محاسبه می شود سپس نمرات مواد هر خرده مقیاس با هم جمع شده و بر تعداد مواد آن مقیاس تقسیم می شود. بنابراین نمره ی هر مقیاس بین ۱ (سالم) تا ۴ (ناسالم) خواهد بود.

۲) پرسشنامه سنجش ارزشهای ورنون و لنیدری: ابزار سنجش ارزش ها، آزمون بررسی ارزش های آلپورت، ورنون با لیندزی (۱۹۶۰)، بوده است. این آزمون به منظور ارزیابی اهمیت نقش نسبی شش ارزش یا انگیزه اساسی در زندگی یک فرد تهیه شده است. این شش ارزش مبتنی بر سنخ بندی آدمیان بنا بر نظر اشپرانگر فیلسوف آلمانی است. این شش ارزش عبارتند از: نظری، اقتصادی، زیباگرا، اجتماعی، سیاسی و مذهبی. این پرسشنامه شامل ۴۵ پرسش است که ۳۰ پرسش در قسمت اول و ۱۵ پرسش در قسمت دوم دارد. مقیاس پاسخگویی این پرسشنامه دوگزینه ای است. شریفی (۱۳۸۳)، این پرسشنامه را در ایران به صورت ترجمه شده ارائه کرد و روایی و پایایی آن را مطلوب گزارش کرده است. راعی (۱۳۹۰) روایی و پایایی این پرسشنامه مجدد مورد بررسی قرارداد و پایایی آن را ۰/۸۳ گزارش نمود.

شیوه اجرا

بعد از انتخاب گروه نمونه به شرکت کنندگان توضیحاتی درباره اهداف پژوهش به آن ها داده شد، همچنین تاکید شد که تمام اطلاعات این پژوهش محرمانه خواهد ماند. سپس پرسشنامه های پژوهش به صورت گروهی در اختیار آن ها قرار گرفت و داده های به دست آمده تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج

جدول ۱، نتایج آزمون همبستگی پیرسون جهت سنجش ارتباط بین مؤلفه های کارایی خانواده و گسست ارزش های مادران و دختران را خلاصه کرده است.

جدول ۱

ضریب همبستگی پیرسون جهت سنجش ارتباط کارایی خانواده و ارزش های مادران و دختران

متغیر	r	معناداری	ضریب تعیین
حل مسئله - گسست ارزشها	۰/۵۲**	۰/۰۰۰۱	۰/۲۷
روابط در خانواده - گسست ارزشها	۰/۱۱-	۰/۴۲	۰/۰۱
پاسخگویی اثربخش - گسست ارزشها	۰/۵۹**	۰/۰۰۰۱	۰/۳۵
درگیری اثربخش - گسست ارزشها	۰/۰۹-	۰/۵۲	۰/۰۰۸
کنترل رفتاری - گسست ارزشها	۰/۵۳**	۰/۰۰۰۱	۰/۲۸
کارکرد کلی - گسست ارزشها	۰/۶۱**	۰/۰۰۰۱	۰/۳۷

**P<۰/۰۱، *P<۰/۰۵

با توجه به جدول ضریب همبستگی مشاهده می شود که بین مؤلفه های حل مسئله، روابط در خانواده، پاسخگویی اثربخش، کنترل رفتاری و کارکرد کلی و نمره کلی گسست ارزش های مادران و دختران ارتباط معکوس و معناداری وجود داشته (مقدار سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ شده است) و بنابراین نتیجه گرفته می شود که هرچقدر نمره کارایی خانواده بیشتر باشد، گسست ارزش های مادران و دختران کمتر خواهد بود. در بین مولفه های کارایی، مقیاس درگیری اثربخش ارتباط معناداری با گسست ارزشها نداشته است (سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ شده است). مقدار ضریب تعیین نشان می دهد که بیشترین میزان رابطه را کارکرد کلی با گسست ارزشها داشته است و کمترین میزان رابطه را درگیری اثربخش داشته است (پایین ترین مقدار ضریب تعیین).

جهت سنجش اختلاف بین دو گروه مادران و دختران مربوط به متغیر ارزشها از آزمون t مستقل استفاده شد. نتایج آزمون لوین بیانگر برقراری مفروضه همگنی واریانس‌ها بود. با توجه به نتایج آزمون t تفاوت بین دو گروه معنادار نشد و بدین ترتیب بین میانگین ارزشهای دو گروه مادران و دختران اختلاف معناداری وجود ندارد ($t(98) = 1/11$; $p = 0/11$).

بحث

در این پژوهش رابطه کارایی خانواده و گسست ارزش‌های مادران و دختران دبیرستانی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داد بین کارایی خانواده و گسست ارزش‌های مادران و دختران رابطه معناداری وجود دارد. از بین مولفه‌های مربوط به کارایی خانواده، مؤلفه‌های حل مسئله، پاسخگویی اثربخش، کنترل رفتاری و کارکرد کلی با گسست ارزش‌های مادران و دختران ارتباط معکوس و معنادار داشته و مقیاس درگیری اثربخش، ارتباط معناداری با گسست ارزش‌ها ندارد. این نتیجه با دیدگاه سانتراک (۲۰۰۸) مطابقت دارد. وی معتقد است کارکرد سازنده خانواده باعث ایجاد و تقویت ارزش‌های سنتی می‌گردد. نتایج این پژوهش با تئوری تعلق همسو است. در این تئوری اگر خانواده با کودکان و نوجوانان ارتباط سازنده‌ای داشته باشند با بازخوردهایشان می‌توانند ارزش‌های گوناگونی را به آنان انتقال دهند و فرزندی که در این خانواده‌ها بزرگ شده‌اند کمتر احتمال دارد به دنبال انجام رفتارهای غیر خودی مانند تقلید و الگوبرداری نقش از دیگران باشند (شافر و کیپ، ۲۰۰۷).

همچنین نتایج نشان داد گسست ارزشی بین مادران و دختران وجود ندارد. این نتیجه نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین ارزش‌های مادران و دختران وجود ندارد. این نتیجه همسو با مطالعه توکل و قاضی‌نژاد (۱۳۸۵) و همچنین دیدگاهی است که وجود شکاف عمیق بین نسل‌ها را رد می‌کند. توکل و قاضی‌نژاد (۱۳۸۵) در مطالعه خود در زمینه نسل‌ها و ارزش‌ها و بررسی و تحلیل جامعه شناختی گرایش‌های ارزشی نسل جوان و بزرگسال نشان دادند تفاوت مشاهده شده در ارزش‌ها، به اندازه‌ای بزرگ نیست که بتوان در حال حاضر آن را به عنوان شکاف یا گسست نسلی تعبیر نمود.

نتایج این مطالعه با نتایج پیو (۲۰۰۹)، ساروخانی و همکاران (۱۳۸۸) و ورما (۲۰۰۷) ناهمسو است. پیو (۲۰۰۹) نشان داد بدون در نظر گرفتن سن، در حدود دو سوم یا بیشتر از مردم بر این باور بودند که افراد مسن‌تر آمریکایی از نظر ارزش‌های اخلاقی، احترام به دیگران و اخلاق کاری با نسل جوان تفاوت دارند و دیدگاهشان بهتر از نسل جوان است. ورما (۲۰۰۷) این گونه نتیجه‌گیری می‌کند که با گذشت زمان که جامعه (دقیقا از واحد خانواده تا کل جامعه و انسانیت) در حال تغییر است چگونه می‌توان از نسل جدید خواست که دچار رکود یا حرکت به عقب به راه اجداد زندگی خود شود. پس این شکاف لاجرم است و باید وجود داشته باشد.

ساروخانی و همکاران (۱۳۸۸) بیان می‌کند مقوله شکاف و به طور کلی اختلاف‌های نسلی، یکی از مصادیق گذار جوامع از صورت سنتی به شکل مدرن است. باور اصلی در این خصوص آن است که فرهنگ نوین جامعه، در تعارض با فرهنگ غالب بزرگان جامعه قرار گرفته و یا با آن فاصله‌ای قابل تأمل می‌یابد. معمولاً جوامع در حال گذار در این وضعیت، و یا جوامعی که با تحولات سریع اجتماعی و تقابلات سیاسی اجتماعی مواجه می‌گردند، بیشتر مستعد پدیداری شکاف در میان نسل‌های خود می‌گردند و این قاعده عام، در مورد کشور ایران که مصداق بارزی از یک جامعه در حال عبور از مظاهر سنت به اشکال مدرن است و در این گذار تاریخی با حوادث و مسائل گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی روبرو بوده و هست، مشهودتر به نظر می‌رسد.

در این تحقیق نیز مانند سایر تحقیقاتی که با پرسشنامه‌های عینی انجام می‌شود، سوگیری پاسخ‌دهندگان مطرح می‌شود. همچنین در این تحقیق رابطه ارزش‌های مادران با پسران، دختران با پدران و پسران سنجیده نشده است و برای تعمیم به جامعه والدین و فرزندان پیشنهاد می‌شود تحقیق در سطح وسیع‌تر و با توجه به طبقات اجتماعی و اقتصادی مختلف انجام گیرد. بر اساس این یافته و یافته‌های پیشین می‌توان پیشنهاد می‌گردد به انسجام و وحدت خانواده به عنوان اساسی‌ترین نهاد کنترل شوک فرهنگی اهمیت داده شود و از هر اقدامی که این یکپارچگی را مخدوش می‌کند، خودداری شود. "پژوهشگران نیز بر این عقیده‌اند که بهترین ملاک و معیاری که بر اساس آن می‌توان کیفیت اخلاقی، اجتماعی و روانی افراد را مورد ارزیابی قرار داد همان شبکه ارتباطی اعضای خانواده و مجموعه قوانین حاکم بر محیط و جو خانواده است."

منابع

- بیات، بهرام. (۱۳۸۲). *شکاف نسل ها*. مجموعه مقالات گسست نسلی در ایران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- توکل، محمد و قاضی نژاد، مریم. (۱۳۸۵). شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناسی، بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرات مانهایم و بوردیو. *فصل نامه علوم اجتماعی*، ۲۷ دوره جدید. ۹۵-۱۲۴.
- چیت ساز، محمدجواد. (۱۳۸۶). بازشناسی مفاهیم نسل و شکاف نسلی، *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی*، شماره اول. بهار و تابستان ۱۳۸۶، ۸۵-۱۱۲.
- علیخانی، علی اکبر. (۱۳۸۲). *نگاهی به پدیده گسست نسل ها*. تهران: انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- یوسفی، نریمان. (1383). *سبک های تربیتی و شکاف بین نسلی در نگاهی به پدیده گسست نسل ها*. پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- Santrock, J. w. (2008). *Life -span development*. New York: McGraw hill
- Smith. T. W. (2004). *The Generation Gap Revisited, Network on transitions to adulthood*, Issue 6. Available at: <http://transitions.s410.sureserver.com/wp content/uploads/2011/08/chap-6-formatted>.
- larsen, R. J., & Buss, D. M. (2008). *Personality psychology*. New York McGraw-hill
- Shaffer, D. R., & kipp, k. (2007). *Developmental psychology*. New York: McGraw hill .
- Verma, M. S. (2007). *Generation gap: Who is to blame?* Available at. <http://www.merineews.com/catFull.jsp?articleID=128332>

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

توجه: بررسی مقاله ای متون (مقدماتی)

کارگاه آنلاین
بررسی مقابله ای متون (مقدماتی)

PROPOSAL
پروپوزال

توجه: پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

کارگاه آنلاین
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

ISI
Scopus

توجه: آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو